



این تهدید انگلستان آن قدر جدی به نظر رسیده بود که فردای آن روز، کالدول در گزارش محرمانه بعدی خود پیشنهاد ورود امریکا به جای انگلستان را مطرح می‌کند: «بدون تردید اوضاع خاورمیانه به نقطه عطف خطرناک خود نزدیک می‌شود. با خروج نیروهای انگلیسی از شمال ایران، اجرای قرارداد ایران و انگلیس غیرممکن شده است... وزیرمختار انگلیس می‌گوید حتی اگر مجلس فوراً تشکیل شود و قرارداد را تصویب کند، بسیار دیر شده است»

بنابراین مستشاران انگلیسی می‌بایست ایران را ترک می‌کردند» [۸] در این میان، فتح‌الله خان اکبر هم استعفا داد تا معادلات به نفع انگلستان بچرخد. هرچند هیچ کدام مؤثر واقع نشد و سپهدار نیز به صندلی خویش بازگشت. کالدول در ادامه آن گزارش با اشاره به این تحرکات، می‌نویسد: «افکار عمومی در ایران نیز تقریباً نسبت به خروج انگلستان و حصول توافق با روس‌ها راضی می‌باشد. به نظر می‌رسد ایران همواره میان برزخ و جهنم گرفتار بوده، با وجود این به حیات خود ادامه داده است... اما مردم ایران به نقطه‌ای رسیده‌اند که از هر چیزی که ایشان را از شر انگلیسی‌ها خلاص کند، استقبال می‌کنند؛ و وخیم شدن اوضاع در آینده برای آنها اهمیت ندارد. همچنین بیشتر آنها احساس می‌کنند چیزی برای از دست دادن ندارند و ممکن است در نهایت چیزی هم عاید آنها شود... به محض اینکه معلوم شد روس‌ها به ایران پیشنهاد توافقنامه‌ای داده‌اند، کابینه دچار بحران شد و رئیس‌الوزرا استعفای خود را اعلام کرد. با این حال، تصمیم بر این شد که با استعفای او موافقت نشود و او همچنان بر مسند خود باقی است. رئیس‌الوزرا زمانی که دوباره زمام امور را در دست گرفت، به منظور پیشگیری از آشوب، اعلام حکومت نظامی کرد... کاملاً روشن است که انگلیسی‌ها از هر ابزاری که در اختیار دارند برای فشار آوردن به ایران استفاده می‌کنند تا به ایرانیان ثابت کنند که سعادت آنها در گروی حمایت انگلستان است.» [۹]

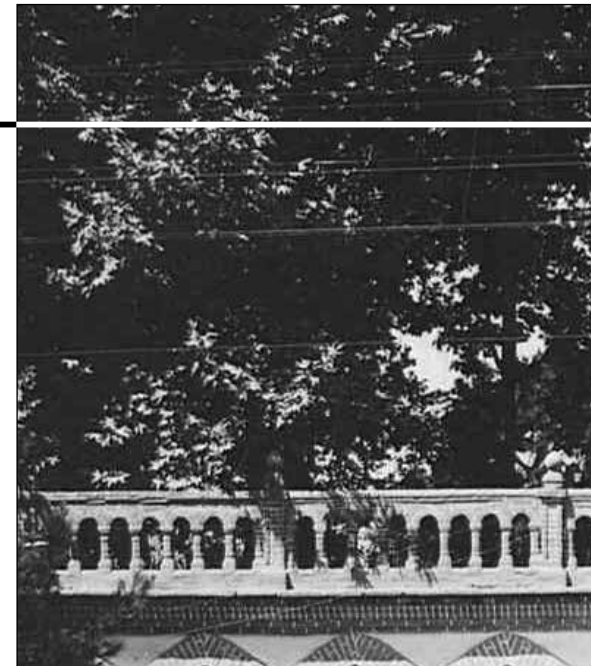
مرور این حوادث بیشتر عیان می‌کند که چرا نگرانی انگلستان از احتمال بسط یید شوروی که اولین نشانه خود را در برقراری حکومت نظامی نشان داد، در همان زمستان وارد مرحله جدی‌تری شد.

#### ■ پی‌نوشت‌ها

- [۱] گران‌توفسکی. ادوین آردیدوویچ (۱۳۵۹). تاریخ ایران: از زمان باستان تا امروز. تهران: پویش. ص ۴۳۷
- [۲] سمیعی. احمد (۱۳۷۴). خاطرات سیاسی مورخ الدوله سپهر. تهران: نامک. صص ۱۱۴-۱۱۵
- [۳] مستوفی. عبدالله (۱۳۸۸). شرح زندگانی من. جلد ۳. تهران: انتشارات زوار. ص ۱۷۸
- [۴] همان. ص ۱۸۵
- [۵] همان. ص ۱۸۶
- [۶] تلگرام کالدول، شماره ۲، ۸۹۱.۰۰/۱۱۷۰، مورخ ۵ ژانویه ۱۹۲۱.
- [۷] تلگرام کالدول، شماره ۳، ۸۹۱.۰۰/۱۱۷۱، مورخ ۶ ژانویه ۱۹۲۱.
- [۸] گزارش فصلی کالدول، شماره ۱۰، ۸۹۱.۰۰/۱۱۹۵، ۱۵ ژانویه ۱۹۲۱.
- [۹] گزارش فصلی کالدول، شماره ۱۰، ۸۹۱.۰۰/۱۱۹۵، ۱۵ ژانویه ۱۹۲۱.

مجلس فوراً تشکیل شود و قرارداد را تصویب کند، بسیار دیر شده است، زیرا دولت وی دیگر در مقابل حمله محتمل بلشویک‌ها، هیچ مسئولیتی در قبال دفاع از ایران قبول نمی‌کند. با توجه به این که به نظر می‌رسد مردم امریکا توجه خاص به امکانات و منابع طبیعی ایران داشته باشند، به نظر من اکنون فرصتی بی‌نظیر پیش آمده که به این توجه و علاقه جامه عمل بپوشانیم. در حال حاضر ضروری‌ترین نیاز دولت ایران، تعدادی افسر نظامی است که جای افسران اخراجی روسی را بگیرند. افسران روس دیگر مایل به ادامه کار نیستند. هم روس‌ها و هم انگلیسی‌ها ادعا می‌کنند که حتی اگر از آنها خواسته شود هم نخواهند پذیرفت که کار کنند. اگر دولت ایران به صورت محرمانه با منعقد ساختن قراردادی، با به خدمت گرفتن حداقل سی نفر از فرماندهان کهنه کار نظامی امریکا، نیروهای نظامی ایران را مجدداً سازماندهی و فرماندهی نماید، می‌تواند از آشوب‌های محلی جلوگیری کند و مهمتر از آن ایران را از خطر حمله ارتش روسیه شوروی نجات دهد... با توجه به خطر فعلی بلشویک‌ها، دنیا نمی‌تواند اجازه دهد که چنین ارزش‌های اخلاقی‌ای بلااستفاده باقی بماند. علاوه بر این، از آنجا که دولت ایران در شرف رسیدن به توافقی با روسیه شوروی است، حضور امریکایی‌ها می‌تواند خلوص نیت روس‌ها را بسنجد؛ چرا که روس‌ها قول داده‌اند که با خروج نیروهای انگلیسی، در امور داخلی ایران مداخله نکنند. همچنین دولت ایران احتمالاً خواستار به کارگیری مستشاران اقتصادی و دیگر متخصصان فنی امریکایی خواهد شد. اما فوری‌ترین خواسته آنها استخدام افسران نظامی خواهد بود تا به کمک آنها در روزهای بحرانی دوره گذار، نظم و آرامش را در کشور برقرار سازد. بدون اجرای چنین اقداماتی، مشکل بتوان دید که دولت چگونه از فروپاشی جان سالم بدر می‌برد. تصمیماتی که در چند هفته آینده اتخاذ خواهد شد، سرنوشت این بخش از دنیا را برای یک نسل معین خواهد کرد و اگر امریکا قصد دارد در توسعه اقتصادی این منطقه مشارکت کند، برای گذاشتن سنگ بنای مشارکت هیچ فرصتی بهتر از فرصت کنونی پیش نخواهد آمد. چون احتمالاً دولت ایران بدین منظور با سفارت وارد مذاکره خواهد شد، نظرات و دیدگاه‌های وزارت خارجه باید بسیار مساعد و تفاهم‌آمیز باشد.» [۷]

کالدول خروج برنامه‌ریزی شده انگلیسی‌ها را اینگونه تشریح می‌کند: «در روزهای پایانی ماه نوامبر، در حالی که انگلیسی‌ها تحرکات روس‌ها را به چشم خود می‌دیدند و درحالی که ایران جز انگلیس، پشتیبان دیگری نداشت... اعلام کرد کمک‌های خود را به ایران قطع و این کشور را به حال خود رها خواهد کرد. روشن بود که ایران هیچ تمایلی به عملی شدن قرارداد ایران و انگلیس ندارد و



متوسل به دو اقدام شد: «امر داد که اتباع انگلیس دست و پای خود را جمع کرده ایران را ترک بگویند. [...] همچنین بانک شاهنشاهی، در همین روزها اعلانی منتشر کرد که مردم بیایند سپرده‌های خود را از بانک خارج کنند.» [۵]

کالدول پنجم ژانویه ۱۹۲۱ در تلگرامی چنین گزارش داده است: «وزیرمختار انگلستان به من خبر داد که وزیر امور خارجه این کشور با در نظر گرفتن اوضاع فعلی ایران و خطر احتمالی دستور داده است تمام زنان و فرزندان هیأت‌های دیپلماتیک و نیز خارجی‌ان مقیم، از ایران خارج شوند. وزیرمختار انگلستان نگران است با خروج نیروهای این کشور، ایران در خطر ناآرامی و حتی انقلاب قرار گیرد... شاه در صدد حرکت به سمت جنوب است و [حتی] اگر دولت و دیگر سفارت‌خانه‌ها نیز تهران را ترک کنند، من ترجیح می‌دهم اینجا بمانم. احساسات ضدانگلیسی فروکش نکرده است.» [۶]

این تهدید انگلستان آن قدر جدی به نظر رسیده بود که فردای آن روز، کالدول در گزارش محرمانه بعدی خود پیشنهاد ورود امریکا به جای انگلستان را مطرح می‌کند: «بدون تردید اوضاع خاورمیانه به نقطه عطف خطرناک خود نزدیک می‌شود. با خروج نیروهای انگلیسی از شمال ایران، اجرای قرارداد ایران و انگلیس غیرممکن شده است... وزیرمختار انگلیس می‌گوید حتی اگر